



ISSN: 2617-6548

URL: [www.ijirss.com](http://www.ijirss.com)



## An Attitude to the Intellectual and Political thought of Seyed Jamaluddin Afghan

Muzhda Tabesh Noor

*Department of History, Faculty of Social Sciences, University of Badakhshan, Badakhshan, Afghanistan*

*(Email: [m.tabeshnoor@gmail.com](mailto:m.tabeshnoor@gmail.com))*

### Abstract


This study aimed to clarify the intellectual and political ideas of Seyed Jamaluddin Afghani, who is one of the most famous philosophers of the contemporary Islamic world and modern world and clarify his visions for the important issues of his era. In this paper, attempts have been made to find out analytical-descriptive approaches relying on library resources. The findings of the study indicated that Seyed Jamaluddin Afghani had a profound view on ideologies, movements, philosophical schools and social changes in the world, and his attitude to the important issues of his era was sociological and reformal, since in his first study, he comprehended the damages of Islamic communities and recommends worthwhile plans to escape the domination of the external powers and domestic tyranny that Islamic countries were struggling with. Seyed Jamaluddin, one of the celebrities of history has the most important position and particular virtue in terms of his role in regional developments, since he has had a glorious role in establishing freedom, equality and brotherhood in the history of relations between nations. An unknown Afghan thought possess from the prominent features of anti-tyranny, reformation of religious thought, convergence and Islamic ties. These parameters were indications of the titles that Seyed Jamal has given us as an important historical map.

**Keywords:** Pan-Islamism, Colonialism, Despotism, Islamic Civilization.

**DOI:** 10.53894/ijirss.v2i3.20

**Funding:** This study received no specific financial support.

**History:** Received: 17 June 2019/Revised: 12 August 2019/Accepted: 23 August 2019/Published: 19 September 2019

**Licensed:** This work is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) 

**Competing Interests:** The author declares that there are no conflicts of interests regarding the publication of this paper.

**Transparency:** The author confirms that the manuscript is an honest, accurate, and transparent account of the study was reported; that no vital features of the study have been omitted; and that any discrepancies from the study as planned have been explained.

**Ethical:** This study follows all ethical practices during writing.

## نگرشی به اندیشه ای فکری و سیاسی سید جمال الدین افغان

مژده تابش نور

دبیرارتمنت تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بدخشان، بدخشان، افغانستان

### خلاصه

نوشته ی حاضر در پی آنست تا اندیشه های فکری و سیاسی سید جمال الدین که یکی از اندیشمندان بلند آوازه جهان اسلام و متفکر جهان مدرن، در قرون پسین دنیای معاصر است، به بررسی گرفته و نگرش وی را نسبت به مسایل مهم عصرش روشن سازد. در این نوشته سعی به عمل آمده است، رویکرد ها به گونه تحلیلی- توصیفی با تکیه به منابع کتابخانه ای مطالعه و بررسی گردند. یافته های مطالعه بیانگر آن است که سید جمال الدین افغانی؛ دید عمیقی نسبت به ایدئولوژی ها، نهضت ها، مکاتب فلسفی و دگرگونی های اجتماعی جهان داشته و نگرش اش نسبت به مسایل مهم عصرش جامعه شناختی و اصلاحی بود؛ چون در اولین مطالعه اش جوامع اسلامی را آسیب شناسی و طرح های مدلل و ارزشمندی را برای رهایی از سلطه ی قدرت های بیرونی و استبداد داخلی که کشور های اسلامی در آن گیر افتاده بودند، پیشنهاد کرد. جایگاه سید جمال الدین، به نسبت نقش آفرینی اش در تحولات منطقه در میان مشاهیر تاریخ از برانندگی خاصی برخوردار است؛ چون وی نقش شکوهمندی را در پایه گذاری آزادی، برابری و برادری در تاریخ روابط ملت ها داشته است. اندیشه ای ناشناخته ی افغانی، برخاسته از شاخصه های بارزی بود که استبداد ستیزی، اصلاح تفکر دینی، همگرایی و پیوند دهی اسلامی در محور آن قرار داشت. این پارامتر ها نشانه های عناوینی بود که سید جمال در حد یک نقشه ی مهم و تاریخی، فرا روی ما قرار داده است.

**کلمات کلیدی:** پان اسلامیزم، استعمار، استبداد، تمدن اسلامی

### 1. مقدمه

سید جمال در دوره ای زیست می کرد که جهان اسلام با خطر نفوذ سلطه های غرب مواجه بود. کشورهای اسلامی غرق پدیده ای استعمار گردیده بودند و از نظر فرهنگی، علمی، سیاسی و اقتصادی در مقابل تمدن غرب عقب افتادند. فضای نگون بختی در دولت های اسلامی محصول دین گریزی، رخنه ی فرهنگ غرب و استبداد حکامی بود که جایگاه حکومت های اسلامی را بی ماهیت و صحنه رقابتی را در بطن ملت ها بار آورده بود [1]. سید جمال زاینده ی قرن 19 میلادی بود؛ قری که با صعود تمدن غربی و ریزش تمدن اسلامی همراه است. ضعف درونی دولت های اسلامی همراه با هجوم تمدن غرب از یک طرف؛ نهضت رنسانس و انقلاب صنعتی و گسترش فرهنگ اروپایی به کشورهای اسلامی از سوی دیگر باعث شد که در کشورهای اسلامی رویکرد های جدیدی برای چاره جویی از ضعف مفرط و سلطه ی بیگانگان آغاز شود [2]. سید جمال الدین دارای مفکره فراگیر و جهان شمول در سیاست اسلامی بود که خاستگاه و خیزشگاه بسیاری از نهضت های اسلامی به او مربوط و منسوب است. حیات کوتاه او پر از رنج و خاطراتی است که حاصل داده شده از جهل و استبداد بود. ولی این حیات، حیات قهرمانانه بود؛ پر از اندیشه تابناک و تفکرات والا؛ حیاتی که در نسل های آینده تأثیر مهمی به جا گذاشت و درس آزادی و برابری را به بشریت به ارمغان آورد [3].

سید جمال الدین افغانی تأثیر بزرگی در نهضت های آزادی خواهانه و مشروطه طلبی که در ده های اخیر قرن نوزدهم در کشورهای اسلامی به ظهور رسیده بود داشت. علی رغم تحقیقات هنوز هم هویت سید جمال در هاله ای ابهام باقی مانده است. ترجمه نویسان و سیره نویسان سرزمین های مختلف کشورهای اسلامی تورکان، ایرانیان، هندیان و افغان ها هنوز دعوی هم میهنی را با او دارند. به گزارش خود سید وی در روستای اسعد آباد کنر- افغانستان در خانواده که پیروی مذهب حنفی بود تولد شده است [4]. ولی عده مورخین نگاشته اند که وی در اسد آباد، نزدیک همدان در خانواده که منسوب به اهل بیت پیامبر ص بودند دیده به جهان گشوده است [5]. منابع انگلیسی به رویت و نوع پوشش وی سید جمال الدین را به تورکان نوگویی آسیای مرکزی پیوند میدهند. به هر رو، باید یاد آور شد که سید جمال دید فراقومی، فرا منطقویی و فرا جغرافیایی داشت؛ چون خودش می گفت که مرا کابلی، استانبولی، ایرانی، شیعه، سنی و هر چه که صدا می کنید صدا کنید؛ ولی مرد آزاد اندیش صدا کنید و بس [4]. به هر صورت به قول محمد عبده، افغانستان اولین گهواره رشد و تکامل سید جمال است وی در کابل تا سن هجده سالگی شاخه های معتبر معارف اسلامی را فرا گرفت و بعد ها بخاطر فراگیری علوم و پخش افکارش به کشورهای؛ چون ترکیه، عربستان سعودی، انگلستان، فرانسه، ایران، روسیه و عراق سفر کرد و فعالیت های مهمی را در امر بیدارگری و انسجام کشورهای اسلامی انجام داد [6]. نوشته ی حاضر بر آنست تا اندیشه های والا ی سید جمال الدین را که برآمده از دین مداری و دانش مدرن وی بود، روشن نموده و ارزشمندی وی را در راستای روشننگری حکومت های اسلامی که در قرن انقلابات علمی و پیشرفت صنعتی رو به ضعف بوده و آله ی دست استعمار و دولت های امپریالیستی گردیده بودند، بیان نماید.

### 1.1 رویکرد نظری

نکته ای مهمی که در اندیشه ی سید جمال برجسته و بارز است این است که وی عمل گرایی را با افکار سیاسی خود تلفیق کرده بود تا قدرت و استعداد شخصی اش در راستای تحقق دهی اهداف اش عینی و عملی شود. به این خاطر یکی از اقدامات مهم وی هویت دهی به جامعه اسلامی بود؛ جامعه ای که همزمان با انقلاب فکری و صنعتی غرب نه تنها از رقابت با اروپا باز مانده بود؛ بلکه حتی از سرعت رشد آنان بی خبر بود. سید در مقابل رخنه ای امواج فکری غرب به این نتیجه رسیده بود که اگر مسلمانان به خود آگاهی فرهنگی و تاریخی برسند از سنت، فرهنگ، دین و معارف اسلامی خود آگاه و بیدار شوند، مزیت ها و ارزش های فرهنگی و اسلامی خود را دوباره باز خواهند یافت [7].

محوری ترین رویکرد سید به منظور هویت بخشیدن به مسلمانان این بود که تا اسلام را دوباره تبدیل به مکتب و ایدئولوژی مدرن کند و ایمانی را ترویج دهد که ایمان مسلمانان عصر اولیه بوده است. اندیشه سیاسی سید جمال ناظر بر این است که او هم اصلاح را در جامعه در نظر دارد و هم انقلاب را تجویز میکند؛ چونکه او یک مصلح دینی و یک اسلام شناس واقعی است، نظر به اینکه ضرورت امور مسلمانان و رفع مشکلات زندگی مردم، ریشه در آموزش دین دارد. وی جامعه اسلامی را مسلم به یادگیری ارزش های اسلامی می کند تا ماهیت و معنویت دین به شکل اساسی آن افهام و تفهیم شود [8]. سید جمال الدین افغانی در فضای تنش آلود قومی و طایفه ای افغانستان، دولت قوی مرکزی؛ در ایران و ترکیه که دولت مرکزی وجود داشت رژیم دموکراتیک و مردم سالار؛ در هندوستان و مصر که زیر ستم استعمار بود مبارزه ملی و در کشورهای اسلامی آسیا و آفریقا به غرض تمرکز قوا در مقابل کشورهای استعماری اروپای اتحاد اسلامی "پان اسلامیزم" را شعار می داد [9].

این مقاله یک مرور بنیادی و کیفی است. روش جمع آوری اطلاعات، داده ها و معلومات در این مطالعه اسنادی و کتابخانه ای است. با جمع آوری اطلاعات و داده ها به موضوع به گونه ای توصیفی و تحلیلی پرداخته شده است تا جایگاه سید جمال الدین افغانی به عنوان یک روشن فکر مدرن، مصلح جهان اسلام و نواندیش مبتکر در امر وحدت دهی جهان اسلام برجسته شود.

### 2. سید جمال الدین افغانی و گنجینه فکری او

سید جمال الدین افغانی یکی از برجسته ترین چهره اسلامی در سده نوزدهم میلادی است. وی فیلسوف، نویسنده و روزنامه نگار مشهور بود؛ ولی بالاتر از همه سیاستمداری بود که توسط منتقدین اش شورشگر و خطرناک قلم داد شده است [10]. سید از مردان انگشت شماری بود که برای بیداری مسلمانان، هر کجا را مناسب می دید بدان سو می شتافت تا در راه عظمت اسلام فداکاری و جانبازی نماید. راز شخصیت او عشق به آزادی و حریت اسلامی بود. شرافت نفس و اندیشه سترگ وی مکتب بزرگی است برای نسل هایکه به دنبال آزادی و انسانیت اند. به باور برخی روشنفکران اسلامی رویکرد انقلابی سید، راه استبداد ستیزی داخلی و استعمارگریزی خارجی بود. نفرت سید زمانی بالا گرفت که کشورهای اسلامی با نفوذ سلطه بیرونی به دام تمدن غرب پیچیدند؛ اما سید واکنش اش در تقابل با فرهنگ غرب چیزی دیگری بود او می گفت: باید علم و تکنالوژی غرب را آموخت و از آن در ترقی و پیشرفت کشورهای اسلامی استفاده کرد [10].

سید جمال الدین افغانی اولین نوگرایی دینی را در جهان اسلام بنیان گذاشت. وی سعی کرد با بازگرداندن مسلمانان به کتاب خدا و اخذ جنبه های مثبت تمدن غرب، دین را از چهره افراطی غیر سازگاران، جهل و بدفهمی نجات و آن را به صورت چهره مدرن، سازگار و جهانی معرفی کند تا بدین وسیله هم سرزمین های اسلامی از استبداد و عقب ماندگی رهایی یابند و هم استعمارگران را که حامی اصلی استبداد و عقب ماندگی در کشورهای اسلامی اند و به تفرقه میان مسلمانان دامن می زدند بیرون راند. بیشترین توجه و نگرانی های سید جمال به مسئله عقب ماندگی کشورهای اسلامی، درماندگی آنان در مقابل غرب بود، که روز به روز بر پریشانی، فقر و وابستگی شان افزوده می شد [11]. هر چند سید آرزو نداشت تعصب مذهبی را جانشین حس مبین پرستی نماید؛ ولی آرزو داشت که کشور های اسلامی را به نحوی مستقل از یکدیگر متوجه یک هدف مشترک یعنی حریت سیاسی نماید و برای اینکه به ترکیه، ایران، هندوستان و مصر حیات تازه بخشد، کار می کرد. تشکیل جبهه اتحاد اسلامی یکی از مهم ترین راهکار های روشنفکرانه ی سید جمال الدین برای کنترل و نجات جامعه اسلامی از آسیب ها و نا هنجاری های موجود آن عصر بود که او در هنگام یورش نظامی و اقتصادی اروپا علیه مسلمانان موضوع تشکیل جامعه یا اتحاد اسلامی را مطرح کرد [12].

سید جمال الدین خواهان جامعه ی بود که وحدت و همگرایی در آن حاکم باشد. اختلافات درونی جامعه اسلامی، که زاینده ی تفوق طلبی نژادی، زبانی، منطقه ای و فرقه ای بود، بر هم پذیری و هم نوایی جامعه اسلامی فائق نگردد. سید جمال الدین خود را قهرمان سیاسی ساخت که دانشمندان و نویسندگان غربی "پان اسلامیزم" اش نامیده اند، که در آن همه کشورهای اسلامی در متابعت از حاکم اسلامی به قصد رهایی از سلطه استعمار دور هم جمع می شدند و قدرت اسلامی را بر محوریت مرکزیت اسلامی در میان ملل دنیا تحکیم و تمثیل می کردند [13]. افغانی تفرقه را عامل اساسی و باز دارنده در امر گذر به وحدت در کشورهای اسلامی می دانست او همیشه می گفت که دولت های اروپایی حملات و تحقیر شان را به کشورهای اسلامی به بهانه عقب ماندگی آنها منطقی جلوه می دهند و برنامه ی استعماری شان را بالای ملت ها، مستکبران تحمیل می کنند [7]. به این خاطر سه واکنش نوسان در کشورهای اسلامی به ضد غرب ظهور کرد.

1. غرب گریزی: حرکتی که مخالف با نوآوری های تمدنی بشر بود. این گروه ادعا می کردند که آنچه که در اسلام به آن اشاره نشده است باید در مخالفت به آن بسپار شد.
2. غرب زده گی: جریان دوم کسانی بودند که کاملاً شیفته دست آورد های غربی شدند و همه چیز را بر گرفته از آن می دانستند.
3. واکنش سوم از آدرس کسانی بود که در برابر نفوذ تمدن غرب به جریان نوگرایی و اصول اجتهاد اسلامی تکیه کرده بودند، که سید جمال الدین افغانی منادی اولیه این نهضت بود. طرح و پلان سید در این روش بر می آید که جهان اسلام باید در یک پیمان دفاعی با هم جمع شوند تا خود را از نابود گشتن حفظ کنند. برای رسیدن به این مقصود باید فن پیشرفت غرب را کمایی کرد و راز پیشرفت آن را دانست. سید معتقد بود که سنت خداوندی در جوامع بشری اقتضای می کند که سهم و بهره هر قوم و ملتی از بقا و نیرومندی شان به میزان وحدت و هم نوایی آن ملت بستگی دارد. او این اندیشه را در عروه الوثقی زیر عنوان وحدت اسلامی مطرح کرد. او می گفت که تمدن اسلام در قرون اولیه زیر فرمان یک امیر قدرت مند، شکوهمند شد که در آن تمدنی آفریده شد که اکنون دست آورد شان در کلیه موارد؛ سیاسی، علمی و فلسفی مایه تفاخر مسلمانان جهان است. به نظر او رشته های که مسلمانان را با یکدیگر می بست زمانی از هم پاشید که خلفای عباسی به قدرت اسمی خود رضی گشتند و از تشویق دانشمندان در امر وسعت دهی علوم و مباحث مذهبی دست بر داشتند. حکام سرزمین های اسلامی، دست قدرت های غربی را در مدیریت سیاسی شان باز داشتند تا امور مسلمین را اداره کنند. این امر باعث سلطه سیاسی شان در ممالک اسلامی گردید [14].

یکی از راهکارهای مهم و تأثیرگذار در وحدت کشورهای اسلامی ارتباط و همبستگی عالمان دینی و متفکران اسلامی است. سید موفقیت طرح اتحاد جهان اسلام را در لحظه عملی و دست یافتنی می دید که عالمان مذاهب اسلامی، به تفاهم برسند و به احساس مشترکی دست یابند. سید برای ایجاد وحدت در جامعه اسلامی اقدامات خوبی انجام داد که یکی از مهمترین اقدامات سید، سفر به کشورهای اسلامی و آشنا شدن با وضع مسلمانان بود [15]. از طرفی تأثیر اندیشه ناسیونالیستی هم مانع از آن نشد که سید به جهان اسلام نیندیشد. سید حصارهای قومیت و ملیت پرستی را درهم شکست و هر کجا که اسلام و مسلمان در آن وجود داشت، آنجا را سرزمین خود خواند و برای تغییر آن کار و زحمت بسیار را متقبل شد. سید جمال الدین وحدت گرایی اسلامی را در زندگی خود تطبیق کرده بود. هر جا می رفت با مردم و سرزمین اش احساس بیگانگی نمی کرد. انتشار عروه الوثقی را باید از اقدامات عملی و از کارهای فرهنگی و ادبی سید برای ایجاد وحدت اسلامی دانست. دعوت اتحاد اسلامی همراه با مسئله بیداری مسلمین و ملل شرق و مبارزه با استعمار غرب، در سرتاسر مقالات عروه الوثقی موج می زد و همواره در آن به وحدت و اتحاد مسلمین پرداخته شده است. یکی از مهمترین راهکار ایجاد وحدت، در اندیشه سید جمال شناسایی عوامل تفرقه زا در جامعه است. از نظر سید جمال الدین حاکمان استبدادی و دست نشانده، متحجران و ظاهرگرایان بی بنیاد، غرب زدگان مدرن و عالمان درباری، تعصب های نا به جای ملی، رذائل اخلاقی و فاصله از اسلام اصیل، از عوامل تفرقه افکن در میان مسلمانان به حساب می آیند که شناسایی، معرفی، طرد و نفی آنها موجب اتحاد و همبستگی در کشورهای اسلامی خواهد شد. سید جمال الدین بعد از سفرهایش به کشورهای اروپایی و آشنایی با فرهنگ و تمدن غرب و نقشه های آنان برای استعمار، آنان را مانع جدی بر سر راه وحدت در جامعه اسلامی می دید. سید جمال الدین دریافته بود که استعمارگران با ایجاد تفرقه در جهان اسلام از راه گسترش ایدئولوژی ناسیونالیزم، منافع و اهداف خود را پیش می برند و در واقع چیرگی استعمار بر مسلمانان به خاطر جنگ های مذهبی، قومی، قبیله گی و فرقه ای است [16].

### 3. سید جمال الدین و آسیب شناسی جامعه اسلامی

سید جمال الدین افغانی را به حق می توان از بزرگ مصلحان و احیاء گران اندیشه و تفکر دینی در قرون معاصر دانست. او با عمق اندیشی فکری اش به علل و اسیب گرایی جهان اسلام پی برد و راهکارهای معقولی را در زمینه طرح کرد. سید جمال در اولین مبارزه اش جهل و خرافات شایع جهان اسلام را به مناقشه کشید و رویکرد های جدیدی را برای زدودن آن وضع کرد. به حق افغانی سر محرک نهضت های اصلاحی در صد سال اخیر است. وی درد های را که به جوامع اسلامی سرایت کرده بود، ماهرانه تشخیص و سپس به درمان آن پرداخت [1]. سید جمال عیب بزرگ جامعه اسلامی را در نا مسلمانی مسلمین دانسته و علل عقب افتادگی آن را بر محوریت سه اصل؛ جهل، استبداد و غرب گرایی تشخیص کرده است. بدین خاطر سید نادانی و جهل را خطر زا ترین و مناسب ترین بستر برای استبداد داخلی دانسته است. در زمان ظهور سید جمال الدین بیشتر کشورهای اسلامی غرق چنین حالتی بودند. سید جمال به این باور بود که سقوط جوامع اسلامی از شگوفایی اولیه ی خود ناشی از ترک اصول اساسی اسلام است که با گذشت زمان انباری از بدعات و خرافات وارد دین شده به جامعه پیشکش شد. جاه طلبی، خود نگر، شهوت پرستی و افسانه های دینی پدیده های بودند که بستگی به ورود خرافات به ذهن مردم داشت. تلاش سید جمال الدین بر این بود که تا نشان دهد پیرایه و خرافات جزء عادات نا مطلوب اند و به اسلام ربط و ریشه ندارند. جهل و خرافات در حقیقت زمینه ی حکومت استبدادی و هر دو زمینه استعمار خارجی را فراهم می کند که نتیجه اش بهره گیری قدرت های بیگانه از ثروت و منابع طبیعی ملت هاست. سید جمال الدین استبداد داخلی را عامل باز دارنده ی ترقی و تعالی کشورهای اسلامی می دانست [17].

خطر را ترین و آسیب پذیر ترین درد جوامع اسلامی از نظر سید جمال الدین، ضعف داخلی دولت های اسلامی، ناآگاهی از تحولات رنسانس و انقلاب علمی اروپا و استعمار کشورهای غربی بود. از این رو خاستگاه مکتب فکری خویش را مبارزه با این پدیده ها قلمداد می کرد. او برای دست یابی به شکوه و تمدن از دست رفته ی اسلامی و ایجاد دولت های مشروطه در کشورهای اسلامی، آگاهی سیاسی و دانش ورزی مسلمانان را سر لوحه ی درس های مبارزاتی اش قرار داده و برای رهایی از امپریالیسم و استعمار غربی و بازگشت عظمت اسلامی، دولت مردان و رهبران اسلامی را مکلف به از میان برداشتن خرافات و بدعات دانسته و آنان را تأکید به درک و فهم دانش روز می نمود. همچنین، سید جمال الدین به این باور بود، که تمام اختلافات و تفرقه های مذهبی در کشورهای اسلامی، در مدیریت پنهانی استعمار گران است. سید جمال الدین با احساس عالی انسانی و درک والا اش تلاش کرد تا ساختار رژیم های مستبد سیاسی از جوامع اسلامی محو گردد [18]. از این رو شیوه ی سیاست پادشاهان کشورهای اسلامی، چون سلطان عبدالحمید دوم، ناصر الدین شاه قاجار و امیر شیر علی خان را به شدت نقد نموده است [19]. اصول دین گرایی و خط مشخص سید باعث گردید که از وی چهره فرامنطقه ای بسازد و جایگاه سید را در ملت ها زنده نگاه دارد. سید جمال بعد از شناسایی، علل عقب رفت کشورهای اسلامی در صدد درمان سازی و مداوا آن بر آمد. سید جمال به عنوان بنیانگذار نهضت نو اندیشی دینی به این باور بود که اسلام هم به تکامل معنویت و هم به زندگی مادی انسان ها عنایت ویژه دارد. از این رو باید به اسلام واقعی و اصیل باز گردیم و زندگی مان را در سایه دین و شریعت، مدیریت و رهبری کنیم تا هویت از دست رفته مان دوباره به اصل اش باز گردد [20].

نهضت سید جمال بر خاسته از ارزش های اسلامی بود وی معتقد بود که باید از دست آورد های بشری به نفع ملت های مسلمان استفاده کرد. زیرا علم و دانش مال همه بشریت است هیچ کس حق ندارد دیگران را از آن محروم دارد. سید جمال الدین از یکسو کسانی را که علوم و صنایع غربی را با چشم بسته رد می کردند مورد سرزنش قرار می دهد و از سوی دیگر به کسانی که سعادت کشورهای مسلمان را در پیروی کورکورانه از غرب می دانند می تازد و این طرز فکر را باعث بی هویتی جامعه می داند. در تقابل با تفکر نخست و خطاب به علمای اسلامی می نویسد، علوم و معارف بشری و دنیوی هیچ مغایرتی با دین ندارد، بلکه اگر نیک توجه شود معلوم خواهد شد که این کار سبب قدرت و قوت دین است. سید جمال الدین ضمن توجه و شناخت این مشکل اساسی راه علاج عمده مشکلات را در بازیابی و خود باوری در جوامع اسلامی می داند. بدیهی است که این مسیر عاری از مشکلات نیست از این رو سید جمال الدین تأکید دارد، یکی از واجبات مسلمین در راه حفظ و نگهداری حوزه های اسلامی بخشیدن مال و مثال، جان و تحمل سختی ها است. مسلمانان موظف به استقبال خطر برای رسیدن به هدف اند. او برای رسیدن به این هدف، تمام عمر خود را به دفاع از جامعه اسلامی اختصاص داده و سراسر جهان اسلام را به راحتی سیر کرد. او از حاکمان مسلمان خواست تا سوژه های خود را در برابر امپریالیسم غربی جمع آوری کنند. همچنین؛ در حالی که خواستار اصلاحات داخلی با سنت های قرآنی و نبوی بود، بر ضرورت قدرت نظامی برای پایان دادن به اشغالگری خارجی تأکید کرد. او ام القری را به عنوان سمبول وحدت اسلامی بنیان گذاشت و با این وضع تمام جهان اسلام را متحد ساخت. ایده های انقلابی او تأثیری عمیق بر بازخوانی در جهان اسلام داشته است [21].

جایگاه سید جمال الدین تنها به نسبت داشتن حس بیدار سازی جوامع اسلامی و انگیزه دهی برای کسب آزادی از زیر یوغ استعمار مطرح بحث نیست، بلکه او توانست به اسلام و جوامع مسلمین درسی دهد که پاسخ گوی نیازمندی های زمان بوده و دین اسلام را یک فرایند اجتماعی، اقتصادی، علمی و سیاسی به کشورهای غربی معرفی نماید. سید جمال الدین آمیزه ی از نو گرایی، تجدد و دین اسلام برای مسلمین عرضه کرده و این آمیزش را یک پالیسی مهم برای پیشرفت جهان اسلام خواند. سید جمال در رساله معروف خود "رساله نیچریه" استدلال می کند که دین مداری جوامع انسانی بی هدف، بی انسجام و حریص را به گروه های متحد و منسجم که توانایی دستیابی به آزادی و استقلال را داشته باشند، مبدل می سازد. سید جمال الدین همه ی مبارزات اش را با محوریت دین اسلام آغاز و تداوم بخشید و دین اسلام را پدیده ی همه شمول در تمام ابعاد زندگی میدانست. سید جمال الدین، اسلام را از زاویه ی یک نهاد اجتماعی می دید. قلمرو دین از نظر او گسترده است. دین اسلام به همه امور دنیوی و اخروی سرو کار دارد. در اسلام هیچ تمایز و برتری میان دین و دنیا، سیاست و عبادت و اخلاق فردی و اجتماعی و جود نداشته و برای رسیدن به آگاهی و بهروزی باید به همه سوی های دین اهتمام ویژه نمود. بی تردید، سید جمال الدین را میتوان از بزرگ اندیشان و بنیان گزاران جریانی خواند که آگاهانه برای ظهور قدرت اسلامی، پیروزی جوامع مسلمین و وحدت میان اسلام گرایان با حفظ پیوند ها و هماهنگی میان دین گرایی و دنیا گرایی تلاش بی شباهه نمود [22]. سید حکومتهای وابسته به استعمار در کشورهای اسلامی را به شدت نقد و رد می کرد. او به نیکی می دانست که استعمار بدون استبداد داخلی نفوذ ناپذیر خواهد بود. بنابراین، ریشه درخت استعمار همان استبداد داخلی است. در واقع، سید جمال از محدود و معدود متفکرانی است که در زمان غفلت و خاموشی کشورهای اسلامی، بیدار شد و جهان اسلام را به بیداری فرا خواند [23].

#### 4. نهضت فکری و مدل اصلاحی سید جمال

سید جمال الدین افغانی در مقابل قدرت های غربی و اشغال گر که رخنه در کشورهای اسلامی نموده بودند، اسلام گرایی را تبلیغ می کرد که افکار سیاسی وی تأثیر مهمی در سیاست دهی کشور ها باقی گذاشت و تعدادی زیادی از سیاسیون اصلاح طلب در جهان آنوقت در تبنایی با اندیشه ی سید جمال فعالیت های اصلاح گری خود را آغاز کردند. امواج فکری وی معجزه ی عملی برای محمد عبده اندیشمند برجسته مصر، مرحوم حسن البنا رهبر فقید اخوان المسلمین، سید قطب، سعد زغلول و احمد شوقی گردید، که ایشان در مدیریت مبارزاتی شان از روش و کارنامه های سید کار جسته، او را سر مشق اصلاح گری خویش قرار دادند [24].

در حقیقت سید جمال الدین بنیان گذار دید گاه و روش بود که نمونه گیری از آن خاستگاه فکری و سیاسی کشورهای اسلامی را دیگرگون کرد. سید جهت مراد طولانی میان کشورهای اسلامی و اقامتقریبی در آنجا به مصر، هند، ترکیه، فرانسه، ایران و عربستان سعودی سفر کرد و مشکلات آن ها را حضوری ملاحظه کرد و نتیجه گرفت که عامل اصلی افول و ورشکست این کشورها دخالت و بهره کشی قدرت های استعمارگر است. این در حالی بود کشورهای که سید جمال الدین افغان در آن ها زندگی می کرد، غرق پدیده استعمار شده بودند [15]. او ضمن بیان اندیشه های اصلاحی و همگام شدن اسلام با پدیده ی مدرنیته، امپریالیسم غربی و طبیعت بی رحمانه و غیر انسانی استعمار را نسخه ی بریتانیایی خواند و استدلال کرد که غربی ها علاوه بر حملات نظامی و نمایش کمک به قیام های محلی، برنامه های پشت پرده نیز دارند [25].

سید جمال الدین دارای مفکوره فراگیر و جهان شمول در امر اصلاح طلبی دینی و آزادی بود. خیزش و بیدارگری بسیاری نهضت های در کشورهای اسلامی به او منسوب و مبتنی بر فکر سیاسی اوست. در حقیقت سید جمال الدین افغان مبداء تقویم اسلام گرایی مدرن بود. افکار سیاسی او به منظور تعیین جایگاه کشورهای اسلامی در راستای بیدارگری مسلمانان به کار می رود. در اندیشه سیاسی سید جمال الدین اسلام مبنای حرکت دهی جامعه سیاسی است. او بر این باور است که همه روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی باید بر مبنای شریعت الهی باشد تا هویت ما در قالب شریعت اسلامی تعریف و تفسیر شود. زمانی دریافت که به نسبت سیاست گریزی های ملی شکل دهی دولت واحد اسلامی دشوار است، شیوه جدیدی را مطرح کرد که ایجاد حلف یا پیمان میان کشورهای اسلامی بود و با این کار خود می خواست تا ترقی، پیشرفت و وحدت اسلامی را در کشورهای به وجود آورد و به همین دلیل ایجاد پیمان اسلامی را به رهبری دولت ترکیه عثمانی که در آن وقت دولت قوی بود مطرح کرد تا جایگاه و قدرت اسلامی در میان ملل دنیا تثبیت شود [21]. سید جمال الدین درک کرده بود که در نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی انقلاب صنعتی در کشورهای اروپایی رو به شگوفای است که جهان غرب با استفاده از سیاست های استعماری خویش، زمینه عملی نمودن سطره خود را سرعت بخشیده و برای یافتن مواد خام اولیه و یافتن سر زمین بیشتر برای فروش اقلام تجارتهی شان تلاش می کنند. در حالیکه کشورهای اسلامی در جهت مقابل با این تحولات عظیم جهان بی خبر مانده و در عقب مانده گی سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گیر افتاده است. وی علت عقب ماندگی کشورهای اسلامی را در دانش و فنی می داند که غرب به آن دست یافته است؛ ولی جوامع اسلامی به آن دست نیافته اند. بنا بر این اگر جوامع اسلامی بخواهد در صحنه جهانی پا برجا ماند، ناگزیر هستند که به اسلحه تمدن جدید مسلح شوند، زیرا علت واپس ماندگی این جوامع چیزی جز بی دانشی و دور افتادن از کاروان تمدن جدید نیست [12].



## 5. یافته های این مطالعه

نقش و تأثیر سید جمال الدین با ماهیت دیدگاه تحلیلی، انتقادی، فکری و سیاسی او که درباره جهان اسلام عرضه کرد، در ارتباط است. فواصل زمانی دوران زیست مان سید جمال الدین از خطرناک ترین و آسیب پذیر ترین دوره ها برای کشورهای اسلامی شمرده میشود. با این وصف که؛ عثمانی ها که نماد قدرت و همبستگی دنیای اسلامی بودند، در پایگاه خود به ضعف و زوال رو برو بوده و به گفته ی جواهر لعل نهرو، مرد بیمار در قلب اروپا بود که هر آن لحظه بیم از دنیا رفتن اش می رفت. یکسو دسیسه ها و توطیة های داخل دربار و سوی دیگر جواسیس و ترفند های استعماری همه پیرامون آن امپراطوری تاریخی را اشغال کرده بود. در این میان؛ کشورهای اروپایی با پشت سر گذشتاندن انقلابات علمی و صنعتی هرکدام برای تسلط و سیطره یابی بر مناطق دولت عثمانی چشم دوخته بوده و این امر، ضمن به وجود آمدن رقابت های شدید بین قدرت های اروپایی، تغییرات چشمگیری در روابط سیاسی، دگرگونی در جغرافیای دولت ها و ظهور تحولات همه گیر در کشورهای شرقی و غربی را به همراه داشت.

در این دوره حساس، سید جمال الدین، با ارایه ی دیدگاه ارزشمند و کم نظیر در مورد اوضاع و احوال کشورهای اسلامی، راه برون رفت از این معضل بزرگ را طرح ریزی کرد. دیدگاه او بیشتر از این سبب ارزشمند بود که با درک، حس و لمس واقعیت ها و تعامل مستقیم با ترفند های استعماری، به مبارزه روشمند پرداخته و مستقیم عمل کرد. از همین رو، بیشترین دوره ی زندگی وی با رفت و آمد های هدفمند و مؤثر میان دولت های اسلامی چون ترکیه، مصر، افغانستان، هندوستان و ایران سپری شده و با راهکارهای کارآ و قابل تطبیق برای هر یک از دولت ها و سیاست گزاران کشورهای اسلامی میان همه، ارتباط برقرار نمود. مجموعه این عوامل سبب گردید که طرح سید جمال الدین که برآمده ی اندیشه و فکر بلند وی بود، از تحریک، عینیت گرایی و توانمندی درک و تفسیر وضع عمومی جهان اسلام برخوردار بوده و همه چالش های درونی و بیرونی را در بر داشته باشد [22]. اساسی ترین عامل رکود و ایستایی کشورهای اسلامی از نظر سید جمال الدین ناآگاهی از پیشرفت صنعت و فن که کشورهای اروپایی آنرا در اختیار داشتند، بود. بیسوادی، عقب ماندن دولت های اسلامی از روند اکتشافات جغرافیایی، فرسوده گی داخل نظام های شاهی و رقابت های خانواده گی، تقلید کور کورانه ی شاهان کشورهای اسلامی از شیوه های زندگی و طرز دولت داری قدرت های استعمارگر، رابطه نداشتن دولت با ملت در جوامع اسلامی و فرصت ندادن به رشد طبقات مختلف اجتماعی به ویژه قشر روشنگر را، از جمله علت های عقب گرد کشورهای اسلامی خوانده و بر انگیزه دهی دولت ها و جوامع اسلامی به سوی کسب آگاهی تأکید مینماید. بی تردید، سید جمال الدین را میتوان از جمله نخستین مبارزان و روشنگرانی خواند که با ندای همسویی و همگرایی کشورهای اسلامی، تلاش نمود تا کشورهای اسلامی را از غفلت زده گی بیدار ساخته و اسلام و مسلمین را از خطر اضمحلال و انحطاط نجات دهد [13].

## 6. نتیجه گیری

طرح نو سازی و کنش سیاسی سید جمال الدین در امر وحدت دهی کشورهای اسلامی مبتنی بر اصول دین، همبستگی و هم نوایی ملی و اسلامی، آزادی و کرامت انسانی، عدالت اجتماعی، عقلانیت و خرد بود. سید جمال الدین تصریح کرده است که خداوند سر نوشت هر ملت را در گرو اراده خود آنان سپرده است. اگر ملتی وحدت و یکپارچگی را از دست داد، ضعف و در هم شکنی برای شان حتمی است. سر فرازی و سر بلندی هر ملت در گرو وحدت است، که سید با تأکید بر این اصل در امر کشورهای داری رهبران سیاسی جهان را مخاطب قرار داده است. سید جمال الدین لحظه ای از تلاش برای بیداری اسلامی باز ننشست و از هر وسیله ای (سخنرانی، روزنامه، سفر، نامه، وعظ و تبلیغ) برای انتقال اندیشه اش کار گرفته است، که حاصل تلاش مستمر سید در راه عزت اسلامی در جنبش مردم افغانستان برای اجرای حکومت قانون، انقلاب ملی در مصر، نهضت تنباکو و مشروطه در ایران، نهضت قانون اساسی در ترکیه، ایجاد تفکر ملت مستقل اسلامی در بین مسلمانان هند و تشکیل پاکستان، رهایی کشورهای ترکیه و مصر از دیکتاتوری تیلور یافته است. سید جمال به عنوان یک اندیشمند مومن و ایثارگر مخلص، آستین بر زد و در صدد تأمین اهداف بزرگ اش همت گماشت و در راه تحقق آن به هیچ چیز دیگر التفات نکرد. سید جمال الدین مانند مارتین لوتر که با برنامه اصلاحی مذهبی اش جهان مسیحیت به بازگشتن به اصل دین مسیحی دعوت می کرد، وی از امت اسلامی می طلبید تا حقیقت اسلام را دریابند و به مبادی استوار و فطرت سلیم آن که در آغاز وجود داشت بازگردند. در میان چهره های مطرح جهان سید جمال از انگشت شمار کسانی است که به مساوات میان افراد بشر مومن و معتقد است کار و عمل را برای خیر و عافیت نوع انسان ستایش می کند.

## References

- [1] A. L. John, "Jamal al-Din al- in the Islamic world: Past and present. Retrieved from <http://www.oxfordislamicstudies.com/article/opr/t243/e8> " 2019.
- [2] H. Abdul-Hadi, "Afghānī on the decline of Islam, Die Welt des Islams, new series," vol. 13 pp. 121-125, 1971.
- [3] R. Rasool, *History of the Afghan press; From Shams Al-Nahar to the Republic*. Kabul: Maiwand Publications, 2008.
- [4] F. Fazel, "Sayed Jamaluddin Afghani and the Elites of Afghanistan," *Ariana Afghanistan Online*, pp. 10 1-8, 2017.
- [5] M. B. Linam, "A study of the personality of Seyyed Jamaluddin and his role in Awakening muslim thoughts," pp. 1-4, 2011.
- [6] M. M. Seyyed, *Seyyed Jamaluddin Asadabadi and the Eastern Awakening* vol. 18 Tehran: Islamic Culture Publishing Office, 1991.
- [7] N. R. Keddie, "Pan-Islam as Proto-Nationalism," *The Journal of Modern History*, vol. 41 pp. 17-28., 1969.
- [8] J. P. Montada, "Al-Afghani, a case of religious unbelief, studia Islamica," vol. 100 pp. 203-220, 2005.
- [9] Qalachi, *Hakim Mashreq Seyyed Jamaluddin Afghan* vol. 5. Kabul: Maiwand Publishing House, 2012.
- [10] Modarressi, *Seyyed Jamaluddin and his thoughts*. Tehran: Amir Kabir Publishing, 2002.
- [11] M. L. Kenny, "Al-Afghānī on types of despotic government," *Journal of the American Oriental Society*, vol. 86, pp. 19-27, 1966.
- [12] Majid, "Intellectual components in the social thought of Seyed Jamaluddin Afghani," *Islamic and Social Sciences Quarterly*, vol. 2, pp. 115-140, 2010.
- [13] Y. Mehdi and S. Sajjad, "A look at the thoughts of Seyyed Jamaluddin Afghani," *Farhangian Scientific and Research Journal*, vol. 5, pp. 124-134, 2008.
- [14] R. Mohammad, *Reflections on the political behavior of Seyyed Jamaluddin, Translator, Tabraian, Safaeddin* vol. 56 Tehran: Safflower Publications, 1987.
- [15] M. Ghulam, *Afghanistan in the path of history*. Kabul: Government Press, 1346.
- [16] Bahram, "A study of the thoughts of Seyyed Jamaluddin Afghani," *Research Institute for Cultural and Social Studies and the Ministry of Science of Iran*, vol. 3, pp. 34-46, 2009.
- [17] B. N. Mohammad, "Sayed Jamaluddin Afghan and the main cause of backwardness of Islamic societies," *Ariana Afghanistan Online*, vol. 6, pp. 6-8, 2016.
- [18] Seyyed Jamaluddin Asadabadi, "Islamic encyclopedia (Encyclopedia of Characters)," pp. 1-3, 2015.
- [19] R. Mathee, "Jamal al-Din al-Afghani and the Egyptian national debate," *International Journal of Middle East Studies*, vol. 21, pp. 151-169, 1989.
- [20] J. Hirano, "Historical formation of Pan- Islamism: modern Islamic reformists project for Intra-Umma alliance and inter-madhahib rapprochement.," Kyoto Working Papers on Area Studies: G-COE Series, No.102008.

- [21] W. Omid, *Sayed Jamaluddin Afghan as a social reformer in Islamic world* vol. 7: Andhra University: Vishakapatnam, Department of English, 2017.
- [22] B. Morteza, "The initiator of the Islamic Awakening from the perspective of the Times. Retrieved from <http://www.mouood.org/arabic/item>," 2013.
- [23] D. A. Nasir, "Sayyid Jamaluddin Afghani's theories in the field of education," *Journal of Erfan*, pp. 5-1, 1990.
- [24] M. Caliskan, "Jamaluddin Al Afghani: The roots of revivalism. Retrieved from [https://www.academia.edu/514993/Ideas\\_and\\_Activities\\_of\\_Sayid\\_JamalaldinAfghani](https://www.academia.edu/514993/Ideas_and_Activities_of_Sayid_JamalaldinAfghani)," 2010.
- [25] M. Tanvir, "Sayed Jamaluddin Afghan: Life & work," *Kabul, ministry of Information and culture of Islamic Republic of Afghanistan*, 2007.